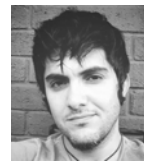


سردسته سارقین رسمی و قانونی، دولت است!



فواد عبدللهی

هفته گذشته در مشهد اجرای حکم قطع دست دو زندانی به بجرم "سرقت" به تأیید مقامات قضایی جمهوری اسلامی رسید و در ملاءعام به اجرا گذاشته شد. در شیراز و آبادان هم حکم قطع دست ۷ نفر دیگر از جانب دادستانی عمومی شهر صادر شده و در راه است. همچنین در طول یکسال گذشته تا الان قطع دست پنج زندانی در اصفهان توسط مزدوران دولت اعتدال به اجرا درآمده است.

این آدمها به جرم دزدی توسط دزدان رسمی و قانونی دولت اعتدال در ملاءعام و مطابق رسوم داعش دست و انگشتانشان بریده شده است. دلایل توسل جستن جمهوری اسلامی به چنین وحشیگری قانونی البته معلوم است. رژیم که جز با توسل به رعب و جنایت آشکار نمیتواند به حیات ننگین خود در میان موجی از کینه و انزجار مردم ادامه دهد. این رژیم همراه چماق استبدادش، از مردم، بیکار و قاتل و دزد و فاحشه و معتاد و کارتن خواب میسازد و بعد به صلیبشان میکشد؛ جمهوری اسلامی و دستگاه دولتی اش با تداوم و بازتولید این رسوم و قوانین ارتجاعی در صدد است تا با له کردن و فرو کوفتن ارزشها و معیارهای انسانی، حاکمیت وحشی ترین مدافعان سرمایه داری را حفظ کند. اینها آمده اند تا اینگونه امنیت و آسایش و حرمت شهروندان جامعه را در پیشگاه امنیت سرمایه و منزلت سرمایه داران ملی و بین المللی سلاخی کنند و به دار بکشند؛ اینها آمده اند تا ضامن شکوه مالکیت سرمایه، کفیل استبداد و ارعاب دولتی باشند؛ تمام هنر یک عده چاقوکش و لمپن که در مجلس و دولت لم داده اند و هر روز مشغول وضع قوانین دفاع از مالکیت سرمایه بر علیه کارگران، زنان و اکثریت شهروندان آن جامعه اند همین است؛ ریس جمهور مشعوف، هواخواه نظم و امنیت و عدالت این جمهوری، برای خدمت به این امر نشان شده و حقوق میگیرد. بله! دولت اعتدال مبنای یک میثاق جدید در این رژیم است. استبداد باید بماند! زندانها باید بمانند. ... صفحه ۳

برکت "مذاکرات هسته ای"

آذر مدرسی



هسته ای در جریان است، نه فریبکارانه و ریاکارانه که وقیحانه است. ریا و فریب عناوین سخاوتمندانه ای برای رویکرد این روزهای مقامات حکومتی است. وقاحتی که بر روی تداوم خفقان و سکوت مردم، حساب باز کرده است. برای علاقمندان به اصلاحات و دموکراسی اسلامی در ایران، و تماشای توان دولت اعتدال در

اینروزها بحث مذاکرات، لغو تحریمها، گرانی و تورم، و بالاخره انتخابات مجلس، در میان حکومتی ها به شدت داغ است. هر مسئله ای که با زندگی میلیونها انسان در این جامعه گره خورده بخشی از کمپین انتخاباتی جناح های حکومتی است. کمپین هایی که حول محور مذاکرات

اجرای حکومت با تدبیر، خوب است یکی از محورهای بحث امروز جناح های درون حکومتی راه، از زبان یک چهره شاخص اصلاحات فقط بازخوانی کنیم. صفحه ۲

سیاستمداران هار!

هر دو از ماندگارترین چهره های سیاست در ایران به حساب میآیند. هر دو، یکی "روبا" سیاست ایران" و دیگری "مرد سیاست ایران" دو رقیب آشتی ناپذیر لقب گرفته اند. یکی زیر تابلوی "سازندگی" و دیگری زیر تابلوی "پوپولیسیم" دو قطب کشمکشهای ایران را اشغال کرده اند. از خرده فرمایشات و اختلاف



مصطفی اسدپور

رفسنجانی و اظهارات او درباره عواقب سیاستهای احمدی نژاد و واکنشهای وسیعی را به همراه داشت. ایشان در نشست خود در دزفول با اشاره به تقدینگی و افراط در انتشار اسکناس و وعده به مردم، آثرا به اشاعه مرض هاری در جامعه تشبیه کرد. رفسنجانی و احمدی نژاد هیچ کدام سابقه درخشانی از رعایت ادب و اصول بهداشتی در سخنرانی را پشت سر ندارند. اما نسبت دادن مرض هاری به کارگر و زحمتکش آن جامعه ناشی از افراط در توزیع پول خزانه، علی القاعده باید از فکر شده ترین عبارات در زندگی سیاسی ایشان باشد. دلسوزترین شخصیت رژیم در دل سخت ترین کشمکها دین خود را برای حکومت ادا میکند. لگد به کارگر میزند. رفسنجانی و احمدی نژاد،

یونان تشنه کمونیسم! در حاشیه رفراendum در یونان



ثریا شهابی

۵ ژوئیه ۲۰۱۵ رفراendum که توسط حزب چپ گرای سیریزا فراخوانده شد و به اجر درآمد، سرانجام در فضایی شورانگیز و ملتهب هم در یونان، هم در میان مردم و حکومت در کشورهای اروپایی. و بخصوص در صف هیئت حاکمه آلمان و شخص خانم مرکل که بر صندلی ریاست اتحادیه اروپا نشسته است، به پایان رسید. مردم در کشورهای اروپایی با شوق و در حمایت از مردم و دولت چپ گرای

یونان، و حکومت ها با نگرانی، چشم براه نتیجه این رفراendum بودند. اتکا به رای مستقیم مردم برای مقابله با قدرتهای مطلقه در اروپا، زدن دست رد به سینه قدرت بانکها و سیستم به اتکا رای مردم، در اولین قدم ... صفحه ۴

برکات "مذاکرات" ...

عباس عبدی از چهره های سرشناس اصلاح طلبان، از برکات "بحران هسته ای" و به نتیجه نرسیدن سریع مذاکرات برای جمهوری اسلامی و حفظ موقعیت دولت اعتدال میگوید:

"من نمی دانم تا آن موقع (انتخابات مجلس)، بحث هسته ای ما حل می شود یا خیر چون برخی فکر می کنند اگر بحث هسته ای ما حل نشود به ضرر دولت خواهد بود در حالی که برعکس و به نظر من این به نفع دولت است، منظور من از دولت وزیر و وزرا نیست بلکه جریان سیاسی آن است لذا اگر بحث هسته ای حل نشود بهترین شعاری که می تواند برای انتخابات داشته باشند همین موضوع هسته ای است و تمام موارد را نیز گردن مجلس و نمایندگان موجود می اندازند. و آن زمان این شعار به شدت می گیرد و این چیزی است که کمتر به آن توجه می شود. دو سال است که دولت با این وضع امور خود را گذرانده است اما ممکن است قیمت بنزین زیاد شود یا چهار مشکل دیگر هم پیش بیاید، اما خیلی مساله حادی نخواهد بود و هر چه این مشکلات بیشتر شود بیشتر می توان حل آنها را به این مذاکرات ربط داد. در انتخابات یقین داشته باشید که این شعار به نفع دولت خواهد بود. و تقریباً مطمئن هستم اگر مذاکرات به نتیجه نرسد شعاری که همه گیر شود همین شعار خواهد بود و تمام رقبای انتخاباتی نیز روی همین دست خواهند گذاشت."

درست است. ریا و فریب مدال نجسبی به سینه حکومت وقیح اعتدال است. جنگ ایران و عراق، بحران هسته ای، مذاکرات هسته ای، جدال با شیطان بزرگ، آشتی با شیطان بزرگ، امنیت و نا امنی منطقه، همه و همه برکاتی برای جمهوری اسلامی است. دیروز برکت "بحران هسته ای" و "خطر جنگ" و فضای جنگی قرار بود جامعه را در هراس از نابودی به تمکین بکشد. امروز برکت "مذاکرات هسته ای" و کش و قوس های آن قرار است مردم محروم و به تنگ آمده از گرانی و فقر و استبداد را در انتظار و امید به بهبود اضافه شدن چندر غاز به درآمدشان ساکت نگاه دارد. تازه اینهم کافی نیست باید بازی مذاکرات را تا آنجا کش داد که کشمکش درونی جناح ها به نفع جناح تدبیر و اعتدال پایان پیدا کند.

بیش از یکسال است آینده جامعه، رفاه و آسایش و آزادی میلیونها انسان را به لبخندهای رد و بدل شده میان ظریف و جان کری و قدم زدن هایشان گره زده اند. بیش از یکسال است که خود حکومتی ها با همراهی خیل "دگراندیشان" و "لیبرالها" و میدیای دست راستی و کارشناسان غربی جامعه را برای نجات از فلاکت و دستیابی به رفاه و سرسوزنی آزادی، حواله لبخندها و ناز و کرشمه های بیشتر آقای ظریف و بازی شل کن سفت کن "مذاکرات هسته ای" می دهند. تلاش همه شان از رئیس دولت "تدبیر و اعتدال" تا طیف توده - اکثریت و جمهوریخواهان

رنگارنگ و محدود کردن دامنه اعتراض مردم به اصلاح و تعدیل نظام است. این را دیگر خودشان به چه زبانی صراحتاً اعلام کنند!

سیاست ایجاد و استفاده از فاکتور هراس از حاد شدن مجدد کشمکش، هراس از تشدید فضای جنگی، هراس از تشدید تحریمها و یک رکن حاکمیت جمهوری اسلامی ایران از روز تولد تا به امروز بوده است. ابزار و سیاستی که قرار است با آن طبقه کارگری که برای رفاه و آزادی روزانه در جدال است را تماماً به امید قدرتمندتر شدن جناح "اعتدال"، امید به بهبود در آینده ای نه چندان نزدیک به تن دادن به دولتی که پز تامین ثبات و امنیت را در خاورمیانه گرفته است، بکشاند. دیگر به چه زبانی صراحتاً بگویند که کش دادن هردو، مناقشه هسته ای و هم رفع مناقشه، از برکات نظام است. این جنگ سرد نظام، با مردمی است که نان و آزادی شان در گرو حکومت است. به این جنگ باید در قد و قواره خودشان پاسخ داد. نباید اجازه داد بیش از این محرومین جامعه را پشت چراغ سبز و قرمز مذاکرات و قهر و آشتی های طرفین معطل و به فقر و بی حقوقی محکوم کنند.

نباید بیش از این به اینها اجازه داد جامعه را در منگنه "بحران هسته ای" نگاه دارند و زندگی میلیونها انسان، امید به بهبود معیشت، سرسوزنی آزادی را دستمایه جنگهای درونی و تصفیه حسابهای جناحی و تحکیم موقعیت خود کنند. باید هر ادعای دولت اعتدال به رفاه و آزادی را به فشاری

علیه حاکمیت و مطالبه رفاه و آزادی همین امروز تبدیل کرد. باید در مقابل سیاست انتظار و سکون با پرچم و مطالبه رفاه و آزادی و امنیت همین امروز، سدی بست.

باید این حکم را که زندگی مرفه، بدون هراس از خطر جنگ یا فقر، آزادی بدون هراس از زندان و شکنجه حق ابتدایی مردم است، این حکم را که با مذاکرات هسته ای یا بدون مذاکرات هسته ای، تامین زندگی شایسته انسان قرن بیست و یک وظیفه دولت و حاکمیت است را باید بر سردرخانه دولت روحانی کوبید.

باید این حکم را که با جلب سرمایه یا بدون جلب سرمایه، با تحریم یا بدون تحریم، تامین زندگی متناسب با استاندارد دنیای امروز وظیفه دولت است، را در مقابل شیادی و وقت خریدن های روحانی و شیفتگانش گذاشت و اجرای آن را تحمیل کرد. باید صفی متحد و قدرتمند را برای مقابله، نه فقط با تبلیغات اینها که برای مبارزه هر روزه برای رفاه، آزادی و برابری سازمان داد.

بالا رفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم، برقراری فوری حداقل ۳۰ ساعت کار در هفته (۵ روز شش ساعته)، پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد به همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال، برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد، آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و

ایدئولوژیکی جامعه، آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل، امروز مهمترین مطالبه فوری طبقه کارگر و توده وسیعی از مردم محرومی است که بیش از سه دهه است برای آزادی و رفاه و برابری میجنگند.

از صفحه ویژه سایت حزب دیدن کنید:

نکات غرب و جمهوری اسلامی، "بحران هسته ای"

http://hekmatist.com/vizheh_hasteyee.html

راویونینا

Radio Neema

رادیو نینا هر شب ساعت ۸:۳۰ تا ۹ شب به وقت تهران از طریق ماهواره هاتبرد پخش میشود. رادیو نینا را گوش دهید و آنرا به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید.

www.radioneema.com

Satellite: Eutelsat
HOTBIRD 13A 13°
Frequency: 12597
POL: V
FEC: 3/4
Symbole rate: 27599
Audio PID: 2130

مرکز جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

سیاستمداران هار ...

واقعا میدان مانور رفسنجانی و احمدی نژاد تماشایی است. عرف متعارف کرایه ای ترین رسانه های دنیای ژورنالیسم نوکر حکم میکرد که با مهر "شارلاتان" خود را از این دو دور نگه دارند. تماشایی تر از همه چیز آنجاست که روسای کثیف ترین دولتهای تاریخ ایران ناگهان در لباس منجیان مدلهای اقتصادی نجات جامعه در آغوش گرم رسانه ها و سیاست ایران گم میشوند!

در جمع مردم دزفول رفسنجانی از دلسوزی برای مردم و مشکلات جوانان در مقابل بیکاری و خطر اعتیاد سخن پراکنی میکند. بی جهت نباید وقت خود را تلف کرد و از نتایج درخشان و مدبرانه اقتصاد سازندگی جناب رفسنجانی پرسید. اما بلاخره کسی باید پیدا شود چرتکه ای را بدست ایشان بدهد. کدام

پوپولیسیم؟ کدام پولها، کدام اعانات؟ میشود برای یک کارگر دزفولی توضیح داده شود کدام افراط و در کجای زندگی او؟ در میدان کلاشی سیاست ایران دیگر دوران سروری منحصر بفرد رفسنجانی بسر رسیده است. شخص رفسنجانی میتواند از پذیرش این واقعیت طفره ببرد، اما نمیتواند فقر و فلاکت بیشتر در پروسه دو دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد را منکر گردد. از ایشان انتظار میروند آقدر بفهمد که گرانی و تورم همه آن رقم های افراطی کذایی را از جیب کارگر و زحمتکش جامعه محو کرده است. رفسنجانی در صندلی مجلس خبرکان حقوق ماهانه چربی را از جمله برای مطالعه آمار بیکاری و دامنه فقر و بی مسکنی دریافت داشته است. این روباه پیر دیگر به کاهدان میزند وقتی بعد از چهار سال و با بیرون افتادن پته یارانه ها و نتایج

نهایی آن پای اعانه را بمیان می کشد. هار به معنای دقیق کلینیکی بیماری "حمله کور و خشن و توام با ترس" برانزده طبقه سرمایه دار ایران و سیاستمداران اسلامی است. مضحک تر از این نمیتوان سراغ گرفت که کارگر در ایران از سر (بقول رفسنجانی در شروع سازندگی کذایی) "فرهنگ صدقه" مورد حمله قرار بگیرد. یازده دولت است یکی پس از دیگری "کار" را از کارگر می دزدند، اول و آخر قوانین شان را اخراج تشکیل داده است، کارگر را با بطوم از کارخانه بیرون کرده اند. تخم دو زرده مشترک نمایندگان کارفرما و دولت از نیمه زیر خط فقر بالاتر نرفته است، رونق شان با محرومیت کارگران و بحران شان را با خانه خرابی کارگران معنی شده است، ناجیان نظم و سازندگی شان دست مافیا را از پشت بسته است. منجیان نجات

کارگر در میان آنها قانونی شدن کار کودکان و رکورد پایین آمدن سن تن فروشی را به ارث گذاشته است. سی سال است با تورم، با گرانی، با یارانه ها رسماً به جیب بری مشغولند. سی ساله اخیر در ایران پروسه عجین شدن طبقه بورژوازی ایرانی با دولت حامی منافع آنهاست. در طی این سالها بتدریج ولی با قدمهای استوار طبقه سرمایه دار در شهرها، یکی پس از دیگری سربر آورده اند. ثروت هر یک نه باد آورده بلکه توسط کارگر خاموش و نیازمندی است که دولت برای سودهای بهره کشانه به بازار کار سرازیر کرده است. انتظار انسانیت از سرمایه داری مبتنی بر سود حاصل از استثمار کارگر بیهوده است، فریبکارانه است. حتی در همین چهارچوب برای سرمایه در ایران، هر اثری از شرافت رخت بر بسته است. در ایران موج بزرگ از تحرک

سرمایه در جریان است. احمدی نژاد و رفسنجانی لایق ترین فرزندان تاریخ بورژوازی ایران هستند. در عمق تباهی که بر پا داشته اند اما مدعی اند، جولان میدهند. خود را صاحب منحصر بفرد آب و گل میدانند. ژورنالیسم و محافل کارشناسان به یک آبریزگاه شباهت پیدا کرده است که هر چه از راه رسد را باید چشم بسته تیتیر بزند و عرضه بدارد. خطاب هار به طبقه کارگر انعکاس رفتاری است که کارگر در کف کارخانه و در خیابانها با آن مواجه است. عالیجناب ما دارند حرف دهان گروه ضربت در هنگام حمله به کارگران بیکار میگذارند.

راستی، آیا میتوان درخواست کرد صورت جلسه بازجویی فعالین کارگری در زندان اوین را هم به همراه افتخارات روسای جمهوری در سازندگی و حمایت از مردم محروم منتشر شوند؟

سردسته سارقین ...

تصویر رژیم اسلامی بعنوان حکومتی که میتواند هر زمان بخواهد در دل شهروندان ترس مرگ بیاندازد باید برجا بماند. بشرطی که همه این ابزارها در خدمت اردوی بورژوازی ایران و دولتش قرار بگیرد که هدفشان بازگشت رژیم ایران به صحنه تولید و تجارت و دیپلماسی بین المللی است. به نظر اینها این فرمول بقای بورژوازی ایران و دولتش را برای یک دوره دیگر تضمین میکند. کل بورژوازی ایران از دار و دسته خامنه ای و روحانی و رفسنجانی و احمدی نژاد گرفته تا لیبرالها و توده ای ها و ملی مذهبی ها و مشروطه خواهان همراه با

بلندگوهای تبلیغی در رسانه هایشان زیر خیمه دولت اعتدال در راستای این امر مشغول جویدن ناخن هایشان اند. اما برآستی که هیچ چاقوکشی در ایران ناگهان منتسکیو یا ولتر نشده است. بحث بر سر تجدید آرایش کل بورژوازی ایران بر مبنای یک پلاتنفرم وسیع تر و ائتلافی بمنظور بقا در مقابل کارگران، زنان و جبهه آزادیخواهی و برابری طلبی است. بی ربطی بورژوازی ایران و دولت اعتدال به معضلات حاد گریبانگیر جامعه، اوج یک ورشکستگی سیاسی است. به صدا درآمدن کوس این ورشکستگی، فراخوانی است به کمونیستها و طبقه کارگر که برای تعیین تکلیف بر سر مسایل گریبانگیر وارد عمل

شوند. وخامت اوضاع اقتصادی، بیکاری، از هم گسیختگی کامل بهداشت و خدمات عمومی، چاره جویی فوری می طلبد. دستمزدها باید فوراً افزایش یابند، کمبود مایحتاج و وسایل ضروری زندگی سریعاً رفع شود، به میلیونها نفر انسانی که به بیکاری محکوم شده اند باید امکان کار داد و بیمه بیکاری پرداخت. درآمدهای ارزی کشور از خریدهای تسلیحاتی و حسابهای بانکی دزدکی دلالان و مقامات حکومتی سر در می آورد، در حالیکه تنگنای ارزی کارخانه ها و صنایع را در رکود و تعطیل نگه داشته است. یک بودجه عظیم دولتی برای تغذیه و گسترش دستگاه های سرکوب و تحمیق هدر داده می شود. در حالیکه از

آموزش و بهداشت و خدمات عمومی عملاً خبری نیست. به جیب تجار با ارقامی نجومی پول ریخته می شود، در حالیکه دستمزد رسمی کارگر هزینه یک وعده غذا در روز را نیز کفاف نمی دهد. ساعات کار هفتگی کارگر به نحوی خرد کننده به ۵۰ ساعت و بیشتر کش داده می شود، در حالیکه به ازای هر ده کارگر شاغل حداقل ۳ نفر در بیکاری نگه داشته شده است. به این اوضاع باید سریعاً خاتمه داد. مطالبات اقتصادی و رفاهی کارگران باید عروج کند و رسمیت یابد. باید نشان داد که دوره گذشته است؛ دوره ای که اینها با قمه و شلاق و اسید و عربه مرعوب میکنند. طبقه کارگر طرف دیگر مبارزه سیاسی و اجتماعی

حاضر است. تحولات بعدی را تنها کشمکشهای جناحهای بورژوازی و دولت های رنگارنگ آن تعیین نخواهد کرد. این تحولات میتواند و باید مهر و نشان مستقل کارگران و کمونیست ها را بر خود داشته باشد. باید از حالا برای به زیر کشیدن عاملین سه دهه استبداد و سرکوب و بربریت، مسببین فقر و فلاکت و توحش در ایران، نقشه کشید، سازمان ساخت و سنگر ها را محکم کرد.

حکمت‌پژوهی را بخوانید و آن را کثیر و بخش کنید.
حکمت‌پژوهی را بدست کارگران برسانید!

یونان تشنه ...

روبرو شد.

متخصصین، قبول این پیشنهاد را تنها راه برون رفت از بحران اقتصادی و مالی یونان و تنها راه جلوگیری از ورشکستگی کامل دولت یونان اعلام کرده اند. در جهان سرمایه، جایی که پول و سرمایه و همه امکانات تولید ملزومات حیات آدمیزاد در دست اقلیتی است، این یک واقعیت است. کلید رشد اقتصادی یونان در حال حاضر نه در دست دولت محلی که در دست ترویکا (شامل نمایندگان بانک مرکزی اروپا، صندوق بین المللی پول و اتحادیه اروپا) است.

مردم یونان در رفرا ند ۵ ژوئیه، در مگنه و فشار "پول می دهیم تا سطح زندگی مردم را پایین و پایین تر و به قعر ممکن برسانید"، به این انتخاب نه گفتند و دست رد محکمی بر سینه تعرض سرمایه زدند و آهنگ گسترش فقر و فلاکت بیشتر را کند کردند.

تأثیرات سیاسی و اجتماعی این رفرا ند، بر یونان و بر اروپا اما از تأثیرات اقتصادی بی تردید بیشتر است. این رفرا ند ضربه بزرگی به موقعیت اتحاد اروپا و جایگاه آلمان در آن زد و روند خلا رهبری در صفوف بورژوازی اروپا را تسریع کرد. آیا یونان در اتحاد اروپا باقی خواهد ماند یا نه؟ آیا اسپانیا، و دیگر اعضا اتحاد اروپا، تحت تأثیر رویدادهای یونان تحولات مشابه را تجربه خواهند کرد؟ آیا آمریکا از خلا رهبری در صفوف بورژوازی اروپا، با استفاده از شکاف های جانبی چون شکاف با روسیه و چین یا این و آن کشور غیراروپایی، استفاده نخواهد کرد و تلاش

خواب را بر چشمان قدرتهای اروپایی حرام کرد. این بیش از تأثیرات اقتصادی بسته پیشنهادی و محتوای مذاکرات است. جایی که دولت های اروپایی، از بریتانیا تا آلمان و فرانسه، با حساب باز کردن و تکیه بر بی قدرتی مطلق محکومین، دست راستی ترین سیاست های اقتصادی را به اجرا در میآورند، رای نه مردم یونان در این رفرا ند قد علم کردن صریح و شفاف محکومین و شیپور اعلام حضور نیرویی از پایین است برای دخالت در سرنوشت خود. این روند مستقل از نتیجه آن و مستقل از رهبری آن، مهر خود را بر آینده اروپا، اتحاد و گسیختگی آن زد. در مقابل این واقعیت است که قدرت های اروپایی و بانک ها سراسیمه به انواع تهدید ها و خط و نشان کشیدن ها علیه مردم یونان متوسل شده اند.

این رفرا ند که بر سر قبول یا رد بسته پیشنهادی اتحادیه اروپا، که در یک کلام عبارت است از: معامله دوطرفه "پول میدهیم در مقابل برنامه تحمیل فقر و محرمیت بیشتری به مردم را فوراً اجرا کنید"، معامله ای که توسط دانشگاهیان و اقتصاد دانان "با وجدان" عنوان شیک "اصلاحات اقتصادی" دارد، با رای منفی مردم یونان به پایان رسید. مردم یونان، علیرغم کمپین ترس و وحشتی که قدرت های اقتصادی علیه آنها براه انداختند و آنها را در لبه پرتگاه ناروشن اقتصادی قرار دادند، مقاومت کردند و به سینه همگی شان دست زدند. مقاومتی که در سراسر جهان با احترام از طرف محرومین مواجه، و با خشم و کینه قدرت های اقتصادی

نخواهد کرد که موقعیت خود در اروپا را تقویت کند؟ همه و همه سوالهای بازی است که آینده اروپای واحد، دامنه رقابت ها در صفوف بورژوازی این کشورها در هاله ای از ابهام فرو میبرد. آنچه که مسلم است این واقعیت است که تناقضات بورژوازی غرب که دو دهه پس از جنگ سرد به قیمت تخریب خاورمیانه و تراشیدن انواع محور های شر لاینحل مانده بود، برای پاسخ گرفتن به خانه خود بازگشته است. بورژوازی غرب پیروز بر شرق، در تنگنای فقدان مدل رشد اقتصادی و در بن بست، از طرف مردم محروم و به تنگ آمده از سیاست های ریاضت اقتصادی، مورد تعرض قرار گرفته است.

رفرا ند یونان و رهبری

مردم یونان حق داشتند که به ریاضت اقتصادی بیشتر، به تحمیل حقارت و تحکم و سروری ترویکا و قدرت های بزرگ اقتصادی، چون آلمان، نه بگویند. این پیام، شورانگیزترین وجه تقابل مردم یونان با قدرت های بزرگ اقتصادی و بورژوازی انحصاری است.

با این وجود طرح رفرا ند از طرف دولت یونان، راه حلی است که قبل از هرچیز قدرت دولت چپ گرا در رهبری جامعه را به زیر سوال برد. دولت یونان می توانست مردم فاقد پول و سرمایه را در تنگنای فشار اتحادیه اروپا و صندوق بین المللی پول، که همه قدرت مالی را در اختیار دارند، به پای رفرا ند و رای

نکشاند. این دولت میتوانست روند اوضاع را به سیر خودبخودی و مکانیزم های غیرقابل پیش بینی، نسپارد. این رفرا ند در اولین قدم خود، سرنوشت جامعه را به یک زور آزمایی شدت نابرابر سپرد. زور آزمایی بین مردم ترسیده و مرعوب شده از قدرت کشتار ماشین سرمایه و پول، با صاحبان این امکانات به نفع دولت هم که به پایان رسیده باشد، حاصل آن تنها گذاشتن محرومان در چنگال جدالهای عمیق تری است که بدون یک رهبری منسجم، قاطع و مصمم، میتواند به برد محرومان نیانجامد.

دولت یونان روزی که به قدرت رسید با اعتماد عمیق و عظیمی که در یونان پشت سر داشت و با حمایت وسیعی که در سراسر جهان در میان جریانات چپ و کمونیست و پیشرو و همینطور طبقه کارگر داشت میتوانست با قدرت به هر اقدام خلاف جریانی دست بزند. همه از او قبول میکردند. از جمله می توانست با زدن زیر همه قروض دولت قبلی و مصادره سرمایه ها و علاوه بر دیپلماسی و مذاکره با اتحادیه اروپا اساساً تکیه و سرمایه گذاری بر حمایت جنبش های مترقی در سراسر جهان قادر بود یونان را زیر و رو کند. کاری که یک دولت کارگری با اعتماد به نفس میکند.

این خصلت دولت چپگرایی است، که نقشی بیش از یک گروه فشار و رهبری مقاومت، برای خود قائل نیست. اطلاق دولت مارکسیست ها، به یک دولت چپگرا، بیش از آنکه چیزی در

مورد مارکسیسم و انقلاب کارگری مورد نظر مارکس بگوید، اعلام کمونیست نبودن و داعیه انقلاب اقتصادی نداشتن است. هیچ دولت جدید بورژوایی تازه به قدرت رسیده، اسلامی و غیراسلامی، این گونه سرنوشت پیشروی، حفظ قدرت و پیاده کردن آمل و آرزوهای طبقاتی خود را به قمار برد و باخت یک رفرا ند گره نمی زند.

این ها روشی است که یک حزب کمونیستی که تنها و تنها بر پارلمان و مذاکره و مناسبات با بورژوازی اعمال قدرت نمی کنند، میتواند در روزهایی چون روزهای به قدرت رسیدن سیریزا بکار ببرد.

این گره گاهی است که در دل آن نیاز به یک حزب کمونیستی، که بخواهد و اشتباهی آن را داشته باشد که در چنین روزهایی قدرت سیاسی را بگیرد بیش از پیش احساس میشود.

اروپا از یونان و اسپانیا تا بریتانیا و فرانسه، از ایتالیا و ترکیه تا آلمان، تشنه کمونیسم و اعمال قدرت طبقه کارگر است. اروپا تشنه انقلاب اقتصادی - سیاسی است که بورژوازی در تنگنا و بن بست را با خلع ید کامل از قدرت و با اشتراکی کردن تولید و تبدیل تولید نه برای سود که برای رفع نیازهای تولید کنندگان، با سوسیالیسم برای همیشه به زیر بکشد.

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللہی
fuaduk@gmail.com

تماس با حزب
hekmatistparty@gmail.com

زنده باد انقلاب کارگری!